

پیامدهای جرایم قاچاق کالا و ارز و سیاست تقنینی ناظر بر آن

شهرام روشندل

مدرس دانشگاه، پژوهشگر دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو رسمی مرکز وکلا، کارشناس و مشاوران خانواده قوه قضاییه

چکیده

در مقاله پیش رو برانیم پیامدهای جرایم قاچاق کالا و ارز و سیاست تقنینی ناظر بر آن را مورد بررسی قرار دهیم. روش تحقیق در این مقاله به صورت تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای است. دلیل آثار سوء اقتصادی جرایم قاچاق کالا و ارز، لزوم سیاست افتراقی و همچنین جایگاه مطلوب کیفرگذاری در بزه معنونه ضروری است. یافته‌ها نشان می‌دهد که قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان، پدیده‌ای چندبُعدی است که موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشور می‌شود. مقابله با این پدیده از دیرباز دارای جایگاه ویژه‌ای در سیاست کیفری تقنینی ایران بوده است. ناکافی و زیان‌بار بودن سرکوبی مرتکبان قاچاق کالا و ارز، مقنن را به سوی به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه سوق داد. نتیجه حاصله بیانگر این است که جنبه اقتصادی، مهم‌ترین دلیل جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز به شمار می‌رود؛ چرا که اکثر رفتارهای مرتبط با قاچاق به گونه‌ای سودآور و دارای عواید کلان نامشروع است و باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. بنابراین لازم است کیفرها به گونه‌ای طراحی شود که با برهم زدن توازن علیه بزه، ریسک ارتکاب را بالا ببرد. هیچگاه برای این قلمرو از تبهکاری، رویکرد ترمیمی و بالینی و تسامح‌گرا و صرفاً پیشگیرانه توصیه نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: جرایم، قاچاق کالا و ارز، سیاست تقنینی

مقدمه

قاچاق کالا و ارز از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می دهد و از طرفی سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و ... می شود. در اقتصاد سالم تمامی فعالیتهای اقتصادی ثبت و ضبط می شود اما دسته ای از فعالان اقتصادی مایل به چنین امری نیستند و لذا موجبات شکل گیری اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد سیاه را به وجود می آورند از مهم ترین مصادیق اقتصاد زیر زمینی همانا پدیده قاچاق کالا و ارز است که نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل می کند و تصمیم گیری اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و سیاستگذاری ها کارایی خود را از دست می دهند. قاچاق کالا و ارز همواره بیش از مبادلات قانونی است و عملاً عنان بازارهای ایران بویژه در صنایع ممتاز - که محصولاتی کم حجم اما گران قیمت و پرتقاضا دارند - در اختیار افراد و گروه هایی است که نه تنها نقشی در رشد شاخص های اقتصادی ندارند بلکه مهمترین عوامل سقوط و انحطاط اقتصادی و اجتماعی یک کشور محسوب می شوند. از این رو، پدیده قاچاق به عنوان یک معضل اجتماعی و اقتصادی، سالهاست که ذهن مسئولان اجرائی و کارشناسان اقتصادی کشورمان را به خود معطوف ساخته است. در خصوص اینکه دقیقاً از چه زمانی پدیده قاچاق و گریز از پرداختن عوارض قانونی نقل و انتقال کالا آغاز شده است اطلاعات روشن تاریخی در دست نیست اما آنچه مسلم است اینکه با ظهور تمدن های بزرگ در جهان که پیامد آن رونق کسب و تجارت و بازرگانی بود پدیده قاچاق نیز در مشرق زمین و به طور مشخص در خاور میانه، بروز پیدا کرد. (دهقان، ۱۳۹۰: ۵۱)

در شرایط فعلی تعریف قاچاق صرفاً ناظر به مبادی ورودی و خروجی و مرزهای جغرافیایی نمی گردد، بلکه نگهداری و توزیع و حمل کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می شود. امروزه موضوع تجارت آزاد و توجه به امر بازاریابی و جذب مشتری به عنوان یکی از عوامل موثر در رشد و توسعه اقتصادی برشمرده می شود، به طوری که بسیاری از دولت ها داد و ستد در عرصه بین المللی را از اهم سیاست های کلان اقتصادی خود قرار داده اند. برخی قاچاق را ورود مخفی کالاها در نظر می گیرند و عده ای نیز قاچاق را فرار از پرداخت مالیاتها به وسیله فریب کنترل های مرزی تعریف کرده اند. آمار جهانی مربوط به قاچاق در ۶۱ کشور جهان در سال سال ۲۰۱۰ نشان می دهد که ارزش کل کالاهای قاچاق موجود در این کشورها برابر ۱۳۶۶ میلیارد دلار است. (پورا براهیم، ۱۳۹۱: ۳۹)

برابر بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق کالا و ارز، هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. بنابر این نگهداری و توزیع و حمل کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می شود. از مجموع مقررات موضوعه مربوط به قاچاق کالا قبل از تصویب قانون اخیر می شد انواع قاچاق کالا را به شرح ذیل نام برد: (۱) قاچاق اموال موضوع در آمد دولت، (۲) قاچاق اموال ممنوع الصدور، (۳) قاچاق اموال ممنوع ورود، (۴) قاچاق کالاهای انحصاری، (۵) اعمال در حکم قاچاق. در قاچاق کالا و ارز، کالا را هر شیء که در عرف، ارزش اقتصادی دارد تعریف کرده اند و ارز را پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی دانسته اند که در مبادلات مالی کاربرد دارد. از اواخر دهه ۱۹۷۰ خصوصی سازی به عنوان یک هدف غالب در سیاست های کلی دولت هادرامد هاست و هر کشور بنابر شرایط خاص خود الگویی خاص را از خصوصی سازی دنبال نموده است در مورد خصوصی سازی و ابعاد آن در جهان و ایران تحقیقات زیادی صورت گرفته است که هر کدام از این تحقیقات جنبه های مختلفی از پدیده های خصوصی سازی را مورد بررسی قرار داده اند یکی از اصلی

ترین مباحث و مسائل روز اقتصاد در ایران اجرای بهینه اصل ۴۴ قانون اساسی می باشد اجرای بهینه و صحیح این اصل موجب رشد و توسعه اقتصاد ایران و توسعه اقتصادی کشور می گردد در این نوشتار به بیان موانع و محدودیت های اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در موارد حقوقی و قضایی و اجرایی و غیره خواهیم پرداخت باین بیان وضعیت کشور ایران در اجرای این اصل اقتصادی در یک نتیجه گیری کلی خواستار حل این مشکلات و مسائل اقتصادی کشور میباید شد وجود قوانین و مقررات ضدونفیض عدم رعایت قوانین و مقررات شفاف و عدم رعایت مقررات زدایی و قوانین و مقررات قدیمی هم چنین تصویب قوانین بخشی و ساختار نامناسب با اهداف و محیط و ساختار شرکت های مشمول واگذاری از طرف دیگر توان سودآوری درآمدزایی شرکت ها را کاهش داده است لذا به همین دلیل برای بخش خصوصی جذابیتی ندارد و این از جمله موانع خصوصی سازی می باشد علاوه بر موانع حقوقی و قانونی و قضایی برخی از موانع فرهنگی و اجتماعی هم می تواند مزید بر علت باشند. (جعفری، ۱۳۹۲: ۴۵)

در ایران نیز شکست در امر خصوصی سازی، طی برنامه ی اول و دوم توسعه، دولت را مجبور کرد که در ماه های اولیه اجرای برنامه سوم در جهت اجرای ماده ۱۵ آن، در سال ۱۳۸۰ اقدام به تأسیس سازمان خصوصی سازی کند. تأسیس این سازمان، تحول مهمی در فرایند خصوصی سازی در کشور ایجاد کرد؛ به طوری که در چهار ماهه اول سال، ۲۰۱ میلیارد دلار از دارایی های عمومی به فروش رسید؛ که در سال ۱۳۸۱ از محل فروش شرکت های دولتی، ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال به دست آمد. در اردیبهشت سال ۱۳۸۱، این سازمان، اقدام به فروش سهام شرکت های دولتی از طریق بورس اوراق بهادار کرد و از طرف دیگر، مجوز تأسیس بانک خصوصی موجب پررونق تر شدن بازار سرمایه در کشور شد. (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۶۰)

با الهام از اندیشه های اندیشمندان و مصلحین، دولت ها با لحاظ تدابیر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از تدابیر «پیشگیری غیرکیفری» نیز برای پیشگیری و کاهش جرایم و جلوگیری از تکرار جرم بهره بردند. اما توجه ویژه به «حقوق بشر» در دوران کنونی، کاربرد نسل نوینی از تدابیر پیشگیرنده ی غیرکیفری و پیشگیرنده ی کیفری را امکان پذیر نموده که ارزیابی نتایج حاصله در جوامع پیشرفته از کاهش نرخ جرایم و برقراری نظم و امنیت نسبی حکایت می کند. در جهان امروز، بزهکاری، بالاخص نوع خشونت آمیز آن، تأثیر منفی در توسعه انسانی و اجتماعی و اقتصادی گذارده است. به رغم موفقیت دولت ها در مواردی نظیر بهداشت و سطح سواد، در خصوص کنترل یا کاهش بزهکاری حرکت ها همچنان کند بوده است. به طور کلی لزوم توجه به برنامه ها و سیاست هایی که بتواند موجبات کاهش سطح بزهکاری و جرم را فراهم آورد، اولین خواست و اقدام اکثر کشورهاست. اگر نگاهی به سابقه اعمال سیاست های پیشگیری از جرم در کشورهای مختلف بیفکنیم، مشاهده می کنیم اکثر کشورها از طریق برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی و با اجرای برنامه های متمرکز بر ۱- فرصت های و موقعیت های غیرانسانی مستعد ارتکاب جرم (فرصت های محیطی) و ۲- شرارت و خبث رفتار مجرمان و منحرفان، سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارند. حفظ نظم و امنیت، مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرائم که در رأس برنامه های اجرائی زمامداران است دو موضوع مهم و کلی را مطرح می کند: اول، حفظ اصول کلاسیک سیستم کیفری یا به عبارت دیگر، تدوین قوانین جزایی و مجازات مجرمان برای ایجاد رعب و ترس در دیگران و متنبه نمودن بزهکاران و دیگران و بستر سازی برای اجرای برنامه های خاص اجتماعی برای از بین بردن عوامل جرم زا به منظور پیشگیری از بزهکاری است. افکار عمومی همواره خواهان اتخاذ سیاست کیفری جدی برای پیشگیری از وقوع جرائم و حفظ امنیت و آرامش در اجتماع است. از سوی دیگر، جرم شناسان و کیفرشناسان معتقدند که تدوین قوانین کیفری و نحوه اجرای مجازات ها باید به منظور اصلاح و تربیت و یا درمان بزهکاران باشد و تجربه نشان داده که شدت مجازات ها بدون توجه به نحوه اجرای آنها تأثیری در تقلیل جرائم نداشته است و همواره نرخ بزهکاری در جهان روند

تصادی دارد. به همین خاطر، طرز فعالیت پلیس و دادگاه‌ها و وضع روانی افراد یک جامعه در ازدیاد یا تقلیل بزهکاری تأثیر بسزائی دارد. (دهقان، ۱۳۹۰: ۸۲)

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان الگوی اولویت‌مند (در مقایسه با الگوی کیفرگرایی صرف) در جرم‌شناسی معاصر و همانا موثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه‌های کیفری و حتی دیدگاه‌های جرم‌شناختی علت‌شناسی و سایر تئوری‌های جرم‌شناختی و شناخت ماهیت بزه کار و عوامل موثر بر آن و در نتیجه کنترل بزه کاری بوده است. البته کیفررسانی با رویکرد اربعی و سزاده و تریبی و ترذیلی برای جرایم خطیر و مجرمان سازمان‌یافته و یقه سفیدی نیز رویکردی بسزا است و هیچگاه برای این قلمرو از تبهکاری، رویکرد ترمیمی و بالینی و تسامح‌گرا و صرفاً پیشگیرانه توصیه نمی‌شود. جرایم اقتصادی خطیر نیز از زمره همین جرایم هستند.

جرم‌شناسان و حقوق‌دانان جرایم اقتصادی را اقدام مستقیم و غیر مستقیم علیه چرخه نظام اقتصادی، یعنی تولید، توزیع، مصرف و حمل و نقل میدانند و در قانون جدید مجازات اسلامی، جرایم اقتصادی از طریق تعیین مصداق مشخص شده است، که می‌افزاید این جرایم شامل مواردی همچون اختلاس، کلاه برداری، رشاء و ارتشاء، اعمال نفوذ، مداخله وزرا و نمایندگان و کارمندان دولت در معاملات دولتی و تبانی در معاملات خارجی، جرایم گمرکی، قاچاق کالا، جرایم مالیاتی، پول‌شویی و اخلال در نظام اقتصادی است. جرایم اقتصادی در قوانین جمهوری اسلامی ایران، در قانون‌های ذیل احصاء یا شمرده می‌شود: قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین رشاء و ارتشا و اختلاس (مصوب ماده ۷۵)، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و نهایتاً مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۷۵). در سند جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی که در سال ۱۳۸۴ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده است، اهمیت اقتصاد قانونی و سالم در رساندن ایران به پیشرفت، بیشتر متبلور شده که در همان صدر این سند می‌توان بدان پی برد، با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل. (جباری، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

از سوی دیگر، قاچاق به دلیل ماهیت پنهان خود در آمارهای رسمی کشور ثبت نمی‌شود و بر این اساس وجود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصاد کشور خواهد شد، این واقعیت می‌تواند کارکرد سیاستهای تخصیصی و توزیعی دولت را در عمل با مشکلات جدی مواجه سازد. این در حالی است که با اطلاع از روند قاچاق یا حجم آن می‌توان در سایه اتخاذ راهکارهای مناسب، فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی را به سمت فعالیت‌های اقتصادی رسمی ثبت شده در حسابهای ملی هدایت کرد. این مهم، اطلاع از اندازه قاچاق کالا در ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. عرضه صحیح و قانونی کالا و ارز از سوی فعالان بازار، نقش به‌سزایی در رشد و تعالی اقتصادی کشور در پی خواهد داشت، از سوی دیگر توزیع و فروش کالا و ارز قاچاق به توسعه و بالندگی کشور لطمه و به دولت، تولیدکننده و مصرف‌کننده صدمه و آسیب می‌زند. درک این معضل و داشتن جامعه‌ای به دور از هرگونه قاچاق و مبارزه‌ی ریشه‌ای با آن همواره یکی از اهداف اساسی و ثابت قانون گذار بوده که به همین جهت

مقنن دایره مبارزه با قاچاق کالا و ارز را از محدوده مرزها و مناطق ورودی و خروجی کشور به سطح بازار داخلی توسعه داده تا نارسایی ها و خلأهای قوانین موجود را در جهت برخورد با این پدیده مرتفع نماید لیکن به هر ترتیب علی رغم اقدامات انجام گرفته تاکنون مقابله جدی با قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه صورت نگرفته است. نتیجه قهری حاصل از این وضعیت، روند کلی مبارزه را کم رنگ و ضعیف جلوه داده است و عرضه کنندگان قاچاق کالا و ارز را به تجاری مبدل نموده که نه تنها مالیات و حقوق متعلقه به فعالیت و اشتغال خودشان را پرداخت نمی کنند بلکه روزانه میلیاردها تومان از حقوق حقه دولت را به جیب صاحبان سرمایه های نامشروع واریز می نمایند. چگونگی برخورد واقعی نظام با پدیده مخرب قاچاق کالا و ارز در آخرین حلقه این مبارزه - که همانا مراجع و محاکم رسیدگی کننده به پرونده های قاچاق کالا و ارز می باشند - متجلی و نمایان می گردد. نقش آفرینی و هم سوئی دستگاه قضایی، تعزیراتی و گمرک با رویکرد کلی نظام و هماهنگی مؤثر آنان در جهت برقراری وحدت نگرش و روش و جلوگیری از صدور آرای متهاافت و تصمیمات مغایر، اساسی ترین گام در مبارزه قاطع و همه جانبه با معضل شوم و خطرناک قاچاق کالا و ارز در سطح عرضه خواهد بود.

به دلیل مشکلات اقتصادی و قوانین محدود کننده ی واردات کالا، قاچاق کالا و ارز امروزه به یکی از معضلات جامعه تبدیل شده و پرونده های فراوانی در این خصوص در مراجع قانونی تشکیل می شود. کشور جمهوری اسلامی ایران از گذشته تاکنون با معضل قاچاق کالا روبرو بوده و متأسفانه علی رغم مبارزاتی که در راستای مقابله با آن به عمل آمده نتایج مطلوب و مورد انتظاری نداشته است. این پدیده که به تعبیر کارشناسان امر، اقتصاد خاکستری، اقتصاد سایه، اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیررسمی و ... نامیده می شود، ضمن ایجاد اختلال در فعالیت های اقتصادی سالم ضربات شدیدی به تجارت قانونی و واحدهای صنعتی و تولیدی مشابه کشور وارد می کند و باعث هدر رفتن منابع و تزریق شوکی منفی به پیشرفت اقتصادی و ایجاد مانع در راه برقراری نظارت شایسته می گردد. برابر آمارهای رسمی و غیررسمی ارائه شده توسط کارشناسان و مسئولین امر سالانه حدود ۶ تا ۷ میلیارد دلار کالا بدون رعایت ترتیبات قانونی بصورت آشکار و پنهان وارد کشور شده و از جمله اثرات سوء اقتصادی آن از بین بردن ۶۰۰ تا ۷۵۰ هزار فرصت شغلی، همچنین دیگر زبان های تخریبی در صنایع مختلف می گردد. وجود کالای قاچاق در کشور و دخیل شدن سرمایه هنگفت در امر خرید و فروش کالای قاچاق و ورود آن به کشور و هزینه سرسام آور مبارزه با آن، اعم از نیروی انسانی امکانات و تجهیزات، صرف بودجه و اتلاف وقت، و روی آوردن قشر قابل ملاحظه ای از جمعیت کشور به این گونه فعالیت ها از دیگر معضلاتی است که به شدت اقتصاد ملی را تحت تاثیر قرار می دهد. چنانچه برنامه ریزی اصولی و مدونی جهت مقابله با ورود قاچاق کالا انجام نگیرد، تبعات سوء سیاسی و امنیتی در پی خواهد داشت. در سال های اخیر به دلیل ورود بی رویه و گسترده قاچاق کالا به کشور صدمه اقتصادی شدیدی به لحاظ ورشکستگی صنایع و کارخانجات تولیدی مشابه همچنین عدم تادیه حقوق دولتی به کشور وارد گردید. (پیمانی، ۱۳۸۵: ۶۷)

از جهت دیگر، قاچاق کالا از اقسام جرائم اقتصادی است که با توجه به آثار و عواقبی که در سطح اقتصاد ملی دارد، مبارزه با آن به عنوان یکی از اولویتهای اصلی کشور محسوب می شود و دستگاه های متعددی به عنوان متولی مبارزه با قاچاق به فعالیت می پردازند. اگرچه عوامل اصلی ایجاد پدیده قاچاق را باید در بخش تجاری و بازرگانی جستجو کرد؛ ولی همین عوامل ریشه های عمیق فرهنگی دارد که شناسایی این عوامل می تواند به ریشه یابی قاچاق و حل بنیانی این پدیده کمک شایانی کند. بررسی انواع مختلف قاچاق کالا نشان می دهد که کالاهای عمده قاچاق یا از نوع کالای ممنوع و یا کالاهای مجاز دارای نرخ های حقوق ورودی بالاست. مشروبات الکلی و لباس اولین کالاهای عمده قاچاق کشور هستند که همین دو قلم کالا نزدیک به ۸۳ درصد کل اقلام قاچاق را تشکیل می دهند. همان طور که مشاهده می شود آثار زیانبار مشروبات الکلی و البسه قاچاق بر بخش

فرهنگ جامعه جای تأمل و بررسی فراوان دارد. اگرچه تاکنون در مطالعات مربوط به بررسی علل زمینه‌ساز قاچاق بیشتر به مباحث اقتصادی توجه شده، ولی برای حل این موضوع و توجه به مسائل فرهنگی آن لازم است به مسائلی مانند فرهنگ اجتماعی جامعه، فرهنگ روانی جامعه، فرهنگ محیطی جامعه، فرهنگ مصرفی در جامعه، فقر فرهنگی و نهادینه شدن فرهنگ فقر، فرهنگ تقابل تاریخی ملت با دولت، فرهنگ سنتی تجارت، فرهنگ مسافرت و سوغات، گسترش فرهنگ قانون‌گریزی و فساد و فقدان فرهنگ حمایت از مالکیت معنوی نیز توجه کرد. قاچاقچیان کالا به تاجرانی شبیه اند که نه مالیات پرداخت می‌کنند و نه عوارض. طبق مستندات برنامه چهارم توسعه، دولت باید هر ساله وابستگی اش به نفت کم شود، برای این کار باید درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد. توزیع ناعادانه درآمدها نیز از پیامدهای پدیده قاچاق می‌باشد. با توجه به حاشیه سود بالا در قاچاق کالا، توزیع درآمدها و ثروت‌ها در جامعه به هم خورده و قاچاقچیان از طریق کسب آن بخش از درآمدهایی که دولت می‌بایست از واردات رسمی کسب می‌کرد توزیع درآمد را ناهمگون تر می‌کند زیرا دولت می‌توانست این درآمدها را به صورت هزینه عمومی، هزینه‌های اجتماعی و اعطای یارانه بین عموم مردم توزیع کند. از همین رو قاچاق کالا موجب انحراف سیاستهای اقتصادی و بازرگانی دولت می‌شود.

اکثر کالاهایی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند رفاه مصرف‌کنندگان را کاهش می‌دهند واردات کالا به صورت قاچاق سبب می‌شود کالاها با کیفیت پایین تر و تقریباً به دلیل عدم کنترل استانداردهای کیفیت محصولات، بهداشت و سلامت مصرف‌کنندگان دچار مشکل شود. همچنین به دلیل احتمال جلوگیری و کشف کالاهای قاچاق توسط مأموران عمدتاً کالاهای ارزان و بدون کیفیت و تقریباً یکبار مصرف وارد کشور شود. (بابایی، ۱۳۹۰: ۸۹)

قاچاق کالا بخش قابل توجهی از منابع جامعه را به خود اختصاص داده و در کنار آثار کوتاه مدت حیات اقتصادی آینده کشور را به شدت تهدید می‌کند. دلایل مختلفی در بسترهای شکل‌گیری فعالیت‌های غیر قانونی نقش دارند و هر یک به سهم خود، بستر لازم برای چنین فعالیت‌هایی را فراهم می‌کنند. شناخت عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های غیر قانونی می‌تواند سهم بسزایی در تدوین راهکارهای مبارزه با معضل اقتصادی یعنی قاچاق داشته باشد (پورابراهیم، ۱۳۸۸: ۴۷). اما آنچه مسلم است آسیب‌های جدی است که اقتصاد کشور از قاچاق کالا متحمل می‌شود. قاچاق کالا ضمن خدشه دار کردن اهداف حمایتی دولت موجب از بین رفتن آثار سیاستهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای دولت می‌شود. ضمن آنکه عدم پرداخت حقوق دولت از سوی قاچاقچیان موجب کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع، کاهش حجم فعالیت‌های تولیدی در داخل کشور و در نتیجه کاهش اشتغال می‌شود و با توجه به آنکه صنایع تولید داخلی مجبورند زیر ظرفیت خود فعالیت کنند، در نتیجه قیمت تمام شده تولیدات بالا رفته منجر به افزایش تورم در داخل کشور می‌شود. امروزه افکار عمومی جامعه علاوه بر برخورد و مقابله جدی با مجرمان جرایم اقتصادی، پیشگیری اصولی و زیر بنایی را از مسئولان و متولیان نظام جمهوری اسلامی مطالبه می‌نماید. جرایم اقتصادی به طیفی گسترده از رفتارهای غیرقانونی برضد نظام اقتصادی گفته می‌شود، که عموماً مصادیق آن بسته به نوع نظام اقتصادی و حتی گونه‌های حاکمیتی و انواع رژیم‌های سیاسی، متفاوت است. هر چند در بادی امر، جهانی شدن با اقتصاد شروع شده و تکامل می‌یابد ولی در نقطه مقابل آن جرایم اقتصادی به شدت وابسته به حقوق بومی و سیاست جنایی کشورهاست و به دلیل همین نسبیتی که بر مفهوم و مصادیق جرایم اقتصادی حاکم است، در سیاست جنایی سازمان ملل متحد، پیش از آنکه بر جرایم اقتصادی تأکید شود، بر اثر و پیامد آن، یعنی فساد اقتصادی دست گذاشته می‌شود. پیشگیری از جرایم اقتصادی نیز، پیش از هر چیز تابع درک موقعیت قانونی این جرایم در یک نظام سیاسیت جنایی از یک سو و امکان

تحقق تدابیر پیشگیرانه نسبت به آنها از سوی دیگر است. در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، حذف کامل رفتارهای مجرمانه غیر ممکن است، اما هدف مقبول در این راستا می‌تواند کاهش نرخ جرم باشد.

با فراگیرتر شدن قاچاق و زینبارتر شدن آثار آن در عرصه حیات اقتصادی کشورها دیدگاه‌های مبنایی مکاتب اقتصادی به تنهایی نتوانستند پاسخگوی نیاز دولت‌ها باشند؛ به گونه‌ای که بتواند قدرت بازدارندگی آنها در برابر تجارت سیاه را افزایش دهد. دولتها بناچار از دل قوانین و مقررات به ضمانت‌های حقوقی، کیفری و مالی توسل یافتند؛ ضمن این که ماهیت اقتصادی قاچاق که اصولاً راه حل‌های متناسب با خود را می‌طلبد همچنان حفظ شد و هنوز هم اساسی‌ترین راهکارها در حوزه مطالعات اقتصادی طراحی می‌شوند. (آلتمن، ۱۳۸۶: ۸۱)

اقتصاد ایران از جمله نظام‌های اقتصادی بی‌نظم جهان است. مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذار اقتصادی (در حدود ۳۲ مرکز و شورا) تعداد مراکز سیاست‌گذاری و تولید امور بازرگانی (حدود ۲۲ مرکز و شورا) تعداد مراکز سیاست خودگردانی مالی نهادها و سازمان‌های دولتی (در حدود ۶ تا ۱۲ مرکز و نهاد وزارتخانه)، اعلام سیاست خودگردانی مالی نهادها و سازمان‌های دولتی در برنامه اول توسعه (۶۲-۷۲) نقصان نظارت جامع بانک مرکزی بر گردش پولی و بازار مالی کشور، همگی دست به دست هم داده‌اند تا ایران نتواند از یک نظام اقتصادی تعریف شده با یک سیاست‌گذاری کلان اقتصادی توسعه‌گرا برخوردار شود. از طرف دیگر گسترش روزافزون صندوق‌های قرض الحسنه و موسسات اعتباری که مجوز تاسیس و فعالیت آنها را وزارتخانه‌ها و نهادهای غیر اقتصادی صادر می‌کنند خارج از حوزه نظارت بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار دارند و همین امر باعث شده تا حاکمیت کامل دولت بر گردش نقدینگی و بازارهای پولی و مالی کشور محدود گردد.

مفاهیم

در این تحقیق، ابتدا خطرناک‌ترین و شایع‌ترین جلوه‌های مصادیق مجرمانه‌ی جرایم قاچاق کالا و ارز از حیث ارکان سه‌گانه جرم و نیز شیوع ارتکاب و درجه خطرناکی و صدمه‌ی خطیر علیه امنیت کلان اقتصادی کشور «به روش توصیفی» تشریح می‌گردد؛ سپس عمده رهیافت‌های مطالعاتی آسیب‌شناسانه پیرامون عوامل موثر بر قاچاق کالا و ارز (به تفکیک دو دسته جرایم و هم به تفکیک انواع طبقه‌بندی‌ها از این عوامل) مورد مطالعه مروری و واکاوی پژوهشی قرار خواهد گرفت. مباحث نظری و مفهومی در این پایان‌نامه به سوی ابعاد میدانی قاچاق کالا و ارز معطوف خواهد و برای مثال، انواع قاچاق، روش‌های ارتکاب قاچاق، عاملان قاچاق و نقاط قوت و ضعف راهبردهای پیشگیرانه از قاچاق و نیز سیاست‌های کیفرسانی به قاچاق در چارچوب الگوی جلب مشارکت ملت توسط دولت بحث خواهد شد. نواقص و حتی خلأهای جرم‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز و چالش‌های نظام تعیین مجازات (از حیث قانونی، قضایی و اجرایی) از منظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل با گرت‌برداری از تجارب کشورهای موفق در این عرصه‌ی حقوقی و تجاری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت تا در نهایت، افق روشن‌تری برای تدوین الگوی بومی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز قابل رصد شود.

قاچاق کالا و ارز

هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. قاچاق کالا به عنوان یک پدیده شوم اجتماعی، اثرات بسیار نامطلوبی در زمینه‌های اقتصادی دارد.

قاچاق کالا، یکی از مولفه‌های مهم فساد اقتصادی است. قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن، ساماندهی وضعیت مبادلات مرزی، حرکت به سمت اقتصاد شفاف و تطبیق رفتار دستگاه‌های نظارتی بر مبنای اصلاحات انجام شده توسط دولت، از مهمترین محورهای عملیاتی در جهت مبارزه با قاچاق کالا می‌باشند. قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن و توسعه داخلی و پیشرفت اقتصاد ملی با تکیه بر توانمندیها، دستیابی به اقتصاد بدون نفت و تقویت تولیدات داخلی که از مهم‌ترین این برنامه‌ها، مبارزه همه-جانبه با قاچاق کالا است، از اهمیت اساسی برخوردار است. (اسعدی، ۱۳۸۶: ۹۷)

اخلال در نظام اقتصادی

اخلال در نظام اقتصادی، با هدف ضربه زدن به اقتصاد و نظام اقتصادی از مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی است. توجه به عوامل به وجود آورنده ی جرم اقتصادی قاچاق، می‌تواند مشکلات ناشی از این مساله را برطرف کند. هرچند متون فقهی، پدیده‌ی قاچاق را با عنوان مجرمانه ی مستقل مورد توجه و بررسی قرار نداده است، اما با توجه به منابع فقهی و احکام بیان شده برای عناوین عامی که پدیده‌ی قاچاق در شمول آن قرار می‌گیرد، می‌توان به جرم انگاری مستقل پدیده ی قاچاق پرداخت. ضابطه ی تعزیر، رفتارهای فاقد حد شرعی را مستوجب تعزیر می‌داند. با توجه به خالی بودن جایگاه این موضوع در مکاسب محرمه، می‌توان با بررسی منابع فقهی، مشخص ساخت که قاچاق، یک فعل اقتصادی حرام است و مرتکب آن مستحق تعزیر است و می‌توان قاعده‌ی حفظ نظام را دلیل جرم انگاری شرعی و قانونی قاچاق کالا و ارز دانست: با توجه به خالی بودن جایگاه این موضوع در مکاسب محرمه ، میتوان با بررسی منابع فقهی ، مشخص ساخت که قاچاق ، یک فعل اقتصادی حرام است و مرتکب آن مستحق تعزیر است و میتوان قاعده ی حفظ نظام را دلیل جرم انگاری شرعی و قانونی قاچاق کالا و ارز دانست . بسیاری از قوانین و مقرراتی که از سوی نهادهای قانونگذاری کشور وضع میشود، بر اساس مصالحی است که متصدیان این نهادها تشخیص میدهند و در موارد نه چندان کمی، مصالح و منافع سیاسی و جناحی در تصویب و تأیید آن ها نقش عمده ای ایفا میکند؛ از این رو، با گردش مدیران و متصدیان مربوط و به قدرت رسیدن گروه دیگر، این دسته از قوانین و مقررات و آیین نامه ها نیز تغییر میکنند؛ بنابر این ، چگونه می توان پذیرفت تمامی این قوانین و مقررات ، منتسب به شریعت و دین الهی است و تخلف از آن ها دارای حرمت شرعی و عذاب اخروی است ؟ دلیل دیگر برای حرمت قاچاق ، یعنی: قاعده ی وجوب حفظ نظام ، قاعده ای عقلی و مورد اتفاق فقهای امامیه است و تخصیص بردار نیست ؛ از این رو، صدق فرض ، موجب تصدیق نتیجه است و هرگاه قاچاق کالا و ارز، با توجه به عواملی همچون : نوع و حجم کالا و شیوه ی قاچاق ، موجب اختلال نظام گردد، ارتکاب آن ، به حرمت شرعی محکوم است. (احمدی، ۱۳۸۲: ۵۶)

مولفه های قاچاق کالا و ارز

برابر بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود. بنابر این نگهداری و توزیع و حمل کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می شود. از مجموع مقررات موضوعه مربوط به قاچاق کالا قبل از تصویب قانون اخیر می شد انواع قاچاق کالا را به شرح ذیل نام برد: (۱) قاچاق اموال موضوع در آمد دولت، (۲) قاچاق اموال ممنوع الصدور، (۳) قاچاق اموال ممنوع الورد، (۴) قاچاق کالاهای انحصاری، (۵) اعمال در حکم قاچاق.

در قاچاق کالا و ارز، کالا را هر شیء که در عرف، ارزش اقتصادی دارد تعریف کرده اند و ارز را پول رایج کشورهای خارجی، اعم از اسکناس، مسکوکات، حوالجات ارزی و سایر اسناد مکتوب یا الکترونیکی دانسته اند که در مبادلات مالی کاربرد دارد. به طور کلی قاچاق کالا شامل دو بخش است یکی قاچاق کالاهای ممنوع، یعنی کالاهایی که صادرات و واردات آنها ممنوعیت شرعی و قانونی دارند نظیر مواد مخدر، اسلحه و مشروبات الکلی و دیگری قاچاق کالاهای مجاز و مجاز مشروط، که منظور کالاهایی است که صادرات و واردات آنها با رعایت ضوابط قانونی امکان پذیر اما بدلیل رعایت نکردن ضوابط قانونی، قاچاق تلقی می شوند. (اجتهادی، ۱۳۹۰: ۴۵)

سوابق پژوهشی

در داخل کشور مطالعات مختلفی در زمینه قاچاق انجام شده که در برخی از آنها مقدار قاچاق در یک مقطع زمانی برآورد شده است. در برخی مطالعات، محققان سعی کرده اند تا اطلاعاتی از سری زمانی قاچاق بدست آورند. در سال های اخیر کارهای زیادی توسط محققان و صاحب نظران خارجی و داخلی در رابطه با قاچاق و مرز در زمینه های گوناگونی انجام شده است که در زیر به پاره ای از کارهای انجام شده اشاره می شود:

در مقاله ای با عنوان "قاچاق و شرکتهای جهانی"، نقش شرکتهای جهانی را در قاچاق بین المللی مورد آزمون قرار داده شده و نتایج آن در این مقاله به تصویر کشیده شده است. رویکرد این مقاله، جهانی و بین المللی است و ماهیت آن تخصصاً جزایی نیست بلکه بیشتر در چارچوب حقوق تجارت و حقوق بازرگانی بین المللی تألیف یافته است. در پژوهشی با عنوان "تصورات گردشگران از مرز کانادا و آمریکا به عنوان مانعی در صنعت توریسم در پارک صلح بین المللی، نقش مرزهای بین المللی را به عنوان موانع دیداری توریسم، مورد آزمون قرار داده اند (Gillespie, 2003). این مقاله نیز در فضای ژئوپلیتیک اقتصادی سیر می کند و البته ابعاد حقوق بین المللی آن پررنگ تر از ابعاد کیفی آن است و مزیت آن، بهره گیری از سیستم تحلیل آماری کیفی با نرم افزار SPSS است. داده های کیفی مقاله مذکور از طریق تکمیل پرسشنامه از گردشگران و نیز مصاحبه با آنان، جمع آوری شده است. نتایج آن حاکی از تاثیر متوسط مرزها نه به عنوان عامل اصلی (به عنوان مانعی جهت مسافرت گردشگران) بوده است.

در پژوهشی با عنوان "تاثیر مرز بر بازار کشور ژاپن: تحلیلی بر اساس مدل جاذبه" به تحلیل تاثیر مرز بر بازارها در کشور ژاپن با استفاده از مدل جاذبه پرداخته شده است. در این مقاله از شاخص چگونگی تمایل تجارت بین منطقه ای در مقایسه با تجارت بین المللی استفاده شده است. نتایج به این نکته اشاره دارد که تاثیر مرز، بسیار کمتر از کشورهای آمریکا و کانادا است و این تاثیر در فاصله بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، سال به سال کاهش در مقاله ای با عنوان "اقتصاد سایه در سراسر جهان: واقعاً ما چه می دانیم" به برآورد میزان اقتصاد غیررسمی یا غیرقانونی در ۱۱۰ کشور جهان که کشورهای در حال توسعه و نیز توسعه یافته را شامل می شود، پرداخته شده است. مزیت مقاله مذکور، روش تحقیق مدلولاره ای و مدلیزه کردن ایده ی مطرح در مقاله است. مقاله دیگری با عنوان "تائیرات مرز در اقتصادهای تا حدی باز"، اهمیت مرزهای ملی را در ارزش مربوط به تغییرپذیری را در دو اقتصاد نسبتاً باز که در همسایگی هم قرار دارند (سیاتل در آمریکا و ونکوور کانادا) را مورد آزمون قرار داده اند. نتایج این تحقیق حاکی از تاثیر بسیار مهم مرز (تعیین کننده غالب) در میزان تغییرپذیری، است.

در مقاله دیگری با عنوان "ارزیابی برنامه تجارت آزاد و امن (Dascher & Haupt, 2003). در طول مرز کانادا و آمریکا" به سنجش یکی از برنامه هایی که از سال ۲۰۰۱ جهت (FAST) افزایش تجارت امن و کارآمد، در طول مرزهای آمریکا و کانادا

اجرا شده است، پرداخته شده است. بر اساس ارزیابی‌ها، این برنامه، FAST است. عنوان این برنامه، برنامه تجارت آزاد و امن یا موجب کاهش میانگین زمان انتظار در ۴ نقطه از ۵ نقطه در طول این مرز، و نیز موجب افزایش یک سازگاری مرزی برای سیستم تجاری توزیع در اتحادیه اروپا شده است.

قاسمی و بهرامی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه» به تحلیل اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق مرزی (نواحی روستایی) پرداخته شده است (به نقل از: رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷). این مقاله از مزیت تحلیل میدانی با قلمرو جغرافیایی محدود بهره‌مند است که به دلیل گسترده نبودن قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه، امکان اعمال و سنجش صدق نظریه‌های کلی بر واقعیت‌های عینی منطقه مورد مطالعه به خوبی فراهم آمده است.

در مقاله‌ای با عنوان «ساماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیر عامل» که با رویکرد راهبردی و با هدف ارایه راهبردهای ایمنی - امنیتی غیرعامل متناسب با ساختارهای جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان انجام شده راهبردهای عملیاتی، SWOT است، پس از بررسی و تحلیل وضع موجود با استفاده از مدل برای ایجاد و تداوم ایمنی و امنیت مرزهای استان سیستان و بلوچستان ارایه شده است. مزیت این مقاله رویکرد متفاوت آن نسبت به مقالات مشابه است؛ رویکرد این مقاله، بستر تحلیلی جغرافیای سیاسی است و بر چالش‌های امنیتی استان پرمسأله‌ی سیستان و بلوچستان محوریت دارد.

اسعد خضرزاده با همکاری منصور سلیمانی و محمدتقی رضوانی مقاله‌ای با عنوان «بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران» در شماره ۱۸ در دوره ۱۵ نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی منتشر کرده‌اند که با رویکرد ژئوپلیتیک اقتصادی، به تحلیل نقش عوامل اقلیمی (بیابان‌ها، تنگه‌ها، کوه‌ها و گذرگاه‌ها و...) که امکان قاچاق را مساعد می‌کند پرداخته‌اند و راهکارهایی برای افزایش نظارت انتظامی بر اقلیم‌ها و مناطق بیابانی و کوهستانی که قاچاقچیان از وضعیت جغرافیایی آن مناطق برای تسهیل عبور دادن کاروان‌های قاچاق سوءاستفاده می‌کنند ارائه داده است. نکته بسیار مثبت و کم‌سابقه‌ی این مقاله نسبت به تألیفات مشابه، راهکاره‌محوری این مقاله است. توضیح آن که، مولفان این مقاله راهکارهای جغرافیایی بسیار دقیق و عملیاتی و محیطی مطلوبی برای پیشگیری وضعی از قاچاق کالا در کردستان از طریق سختی‌افزایی انجام قاچاق از تنگه‌ها و کوهستان‌ها و رودخانه‌ها ارائه داده‌اند.

مقاله دیگری نیز با همین رویکرد ژئوپلیتیک به علت‌شناسی قاچاق کالا، منتشر شده است؛ عنوان این مقاله، «ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا» است که ابوالفضل عیسی‌آبادی و صفی‌الله شاه‌قلعه، آن را در شماره ۲ از دوره ۲۸ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی چاپ کرده‌اند. مقاله «قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد ملی» اثر علیرضا وطن‌پور که در شماره ۲۸ فصلنامه بررسی‌های بازرگانی منتشر شده است، رویکرد داخلی و ملی بر تبعات قاچاق کالا دارد و کاملاً متمرکز بر خاستگاه‌ها و ریشه‌های داخلی فساد اداری و اقتصادی در ایران که موثر بر تشدید قاچاق است، بدون توسعه‌ی بحث به عوامل فراملی موثر، تالیف یافته است. رویکرد این مقاله، بومی‌گرایی و تحلیل اقتصادی به شکل مدل اقتصاد بسته و فاسد از درون، تالیف یافته است.

مراجع ذی صلاح قاچاق کالا و ارز

امر قاچاق به خصوص قاچاق کالا و ارز، قطعاً هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگینی برای کشور به دنبال دارد و به ویژه به نظام اقتصادی کشور لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. سازمان تعزیرات حکومتی بعنوان یکی از نهادهای تخصصی (شبه قضایی)

زیرمجموعه قوه مجریه بر اساس ماده واحده قانون اصلاح قانونی تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه رسیدگی به تخلفات اقتصادی و حفظ عدالت اقتصادی، جلوگیری از اجحاف و تبعیض در عرصه داد و ستد و حمایت از حقوق مصرف‌کننده را بر عهده دارد. صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز تحت شرایطی از اوایل سال ۱۳۷۴ با تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به این سازمان تفویض شد و پس از آن قانون‌گذار در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ دادسرا و دادگاه انقلاب و سازمان تعزیرات حکومتی را مراجع صالح رسیدگی در پرونده‌های قاچاق کالا و ارز اعلام و به موجب ماده ۴۴ صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد با پرونده‌های قاچاق کالا و ارز را مادامی دانسته است که جرائم سازمان‌یافته و حرفه‌ای نبوده و مستلزم مجازات «حبس» یا «انفصال از خدمت دولتی» نباشد، در غیر این صورت رسیدگی به این پرونده‌ها در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب خواهد بود. (ابرنادآبادی، ۱۳۹۵: ۱۸۹)

پیامدهای قاچاق کالا و ارز

قاچاق کالا و ارز، پیامدهای سوء فراوانی دارد که لزوم تقویت سیاست جنایی جهانی و ملی (سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران) برای مبارزه با این جرم شوم را می‌طلبد. شکل‌گیری اقتصاد زیر زمینی و فرار مالیاتی، کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه، کاهش سطح تولید ناخالص ملی، کاهش اشتغال، هدر رفتن منابع ارزی کشور، توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی، کاهش رفاه مصرف‌کنندگان، و عدم عضویت ایران در سازمان‌ها و مجامع تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل بالا بودن حقوق و عوارض ورودی بالا، از کمترین پیامدهای مخرب قاچاق کالا و ارز است. پدیده قاچاق منجر به شکل‌گیری اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد سیاه می‌شود و از آنجا که چنین فعالیت‌هایی در بازار غیر رسمی انجام می‌شود در حسابهای ملی ثبت نمی‌گردد، لذا تولید یا درآمد ناخالص ملی به دلیل فقدان آمار و اطلاعات لازم کمتر از مقدار واقعی آن بر آورد می‌گردد. و از آنجا که در اقتصاد زیر زمینی فرار مالیاتی افزایش می‌یابد در مجموع درآمدهای دولت کاهش می‌یابد. کاهش درآمدهای دولت از محل عوارض گمرکی و کاهش منابع ارزی حاصل از صادرات رسمی نیز از پیامدهای قاچاق کالا می‌باشد. قاچاق کالا خسارات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد کشورها وارد می‌سازد و مبارزه با آن نیازمند عزم و اراده ملی است و در مسیر مبارزه برخورد قاطع با مجرمان به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پدیده قاچاق کالا در کشور ما، علاوه بر آثار سوء اقتصادی به عنوان یک چالش اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. امروزه این پدیده علاوه بر اینکه به عنوان یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد است هزینه‌های زیادی نیز بر بدنه اقتصادی کشور تحمیل می‌کند. قاچاق کالا از یک سو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد و از طرفی سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و ... می‌شود. در اقتصاد سالم تمامی فعالیت‌های اقتصادی ثبت و ضبط می‌شود اما دسته‌ای از فعالان اقتصادی مایل به چنین امری نیستند و لذا موجبات شکل‌گیری اقتصاد زیر زمینی یا اقتصاد سیاه را به وجود می‌آورند از مهم‌ترین مصادیق اقتصاد زیر زمینی همانا پدیده قاچاق کالا و ارز است که نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل می‌کند و تصمیم‌گیری اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و سیاست‌گذاری‌ها کارایی خود را از دست می‌دهند. قاچاق کالا و ارز همواره بیش از مبادلات قانونی است و عملاً عنان بازارهای ایران بویژه در صنایع های تک که محصولاتی کم حجم اما گران قیمت و پرتقاضا دارند در اختیار افراد و گروه‌هایی است که نه تنها نقشی در رشد شاخص‌های اقتصادی ندارند بلکه مهمترین عوامل سقوط و انحطاط اقتصادی و اجتماعی یک کشور محسوب می‌شوند. (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۴۱)

سیاست کیفری مقابله با پدیده قاچاق

کیفر، ضمانت‌اجراء و واکنش رسمی در برابر رفتار مجرمانه است. با توجه به ماهیت ویژه بزه قاچاق کالا و ارز و وجوه امنیتی، اجتماعی و اقتصادی این بزه، واکنش باید مؤثر و متناسب این رفتار باشد. قانونگذار خصوصاً در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، طیف متنوعی از کیفرها را با شرایط مختلف پیش‌بینی نموده است که بعضاً دارای ویژگی‌های متفاوت از سایر مجازات‌ها است. در مقاله حاضر به بررسی کیفرگذاری در حوزه بزه قاچاق کالا و ارز تحت چهار عنوان مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی و تبعی، عوامل مشدده و مخففه و الزامات تعیین کیفر پرداخته شده است و لزوم سیاست افتراقی و جایگاه فعلی و همچنین جایگاه مطلوب کیفرگذاری در بزه معنونه مورد واکاوی قرار گرفته است. سپس نتیجه گرفته شده که جنبه اقتصادی، مهم‌ترین دلیل جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز به شمار می‌رود؛ چرا که اکثر رفتارهای مرتبط با قاچاق به گونه‌ای سودآور و دارای عواید کلان نامشروع است و باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. بنابراین لازم است کیفرها به گونه‌ای طراحی شود که با برهم زدن توازن علیه بزه، ریسک ارتکاب را بالا ببرد. روش تحقیق در این مقاله به صورت تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای است. به منظور مقابله با پدیده قاچاق موارد ذیل پیشنهاد شده است: کمک به تولیدکنندگان داخلی و صادرات به خصوص که سال ۱۳۹۱ به همین عنوان سال تولید ملی و حمایت از تولید داخلی نامگذاری شده است؛ مساعدت و معاضدت و همکارهای فراملی و منطقه‌ای و بین‌المللی؛ مدیریت قوی در مرزهای کشور؛ انتخاب مدیران لایق بر اساس شایسته‌سالاری؛ اعمال سیاست جنایی مشارکتی هم در داخل درون سازمانی یعنی قوای سه‌گانه و هم دولت و جامعه رسمی و جامعه غیررسمی و یا جامعه مدنی؛ تقویت هویت ملی و دینی؛ مبارزه با عوامل اصلی قاچاق به جای برخورد با عوامل جزئی منظور مجرمین گروهی و سازمان‌یافته و تشکیلاتی؛ اصلاح سیستم بازار؛ کاهش مداخله دولت در امر اقتصاد و افزایش نظارت و کنترل و هدایت بازار توسط دولت؛ آموزش و اطلاع‌رسانی به عموم در مورد پدیده قاچاق و مضراتی که برای جامعه دارد و تقویت نقش رسانه‌ها و جراید و استفاده از فن‌آوری‌های نوین مثل اینترنت؛ اشتغال‌زایی و نیز توسعه بیمه به خصوص بیمه بیکاری؛ تامین وضعیت معیشتی مأمورین مبارزه با قاچاق و ارز و مأمورین و کارکنان گمرک؛ حذف و یا تعدیل در هزینه‌های گمرکی و یا معافیت‌های غیرضروری؛ ایجاد بسترهای لازم مبنی بر پذیرش و ورود ایران به سازمان تجارت جهانی؛ جایگزینی کارت هوشمند به جای پته‌ی عبور؛ کنترل نقدینگی در جامعه؛ واگذاری امر مبارزه با قاچاق به یک سازمان مشخص و قوی؛ اهمیت دادن به امر پیشگیری از قاچاق تا مبارزه و سرکوبی صرف؛ تدوین و تصویب مقررات جامع و مانع و نسخ مقررات سابق و تعیین دادگاه خاص و مقررات شکلی و ماهوی؛ و نهایتاً تسهیل مشارکت فعالان مبارزه با قاچاق. (صفاری، ۱۳۸۲: ۶۶)

پیشگیری از وقوع جرم به عنوان الگوی اولویت‌مند (در مقایسه با الگوی کیفرگرایی صرف) در جرم‌شناسی معاصر و همانا موثرترین راه مبارزه با جرم، امروزه جایگاه بس ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. این جایگاه بلند در اثر ناکامی آموزه‌های کیفری و حتی دیدگاه‌های جرم‌شناختی علت‌شناسی و سایر تئوریهای جرم‌شناختی و شناخت ماهیت بزه کار و عوامل مؤثر بر آن و در نتیجه کنترل بزه کاری بوده است. البته کیفررسانی با رویکرد ارعابی و سزاده و ترهیبی و تردیلی برای جرایم خطیر و مجرمان سازمان‌یافته و یقه سفیدی نیز رویکردی بسزا است و هیچگاه برای این قلمرو از تبهکاری، رویکرد ترمیمی و بالینی و تسامح‌گرا و صرفاً پیشگیرانه توصیه نمی‌شود. جرایم پولشویی، رشاء و ارتشاء نیز از زمره همین جرایم هستند.

قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان، پدیده‌ای چندبُعدی است که موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشور می‌شود. مقابله با این پدیده از دیرباز دارای جایگاه ویژه‌ای در سیاست کیفری تقنینی ایران بوده است. ناکافی و زیان‌بار بودن سرکوبی مرتکبان قاچاق کالا و ارز، مقنن را به سوی به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه سوق داد. در همین راستا، فصل دوم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به پیشگیری از وقوع جرم اختصاص یافت. مطابق یافته‌های تحقیق، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز عمدتاً با توسل به فناوری‌های نوین در صدد دشوارسازی ارتکاب و افزایش خطر بزهکاری می‌باشد. قانون فوق در پرتو تدابیری نظیر یکپارچه‌سازی و نظارت بر فرآیند تجارت در پی شفاف‌سازی زنجیره تأمین بوده است. از آنجا که امروزه پیشگیری موقعیت‌مدار از حالت سنتی به حالت فناورانه ارتقا یافته، موفقیت این برنامه‌ها در گرو به‌کارگیری ابزارهای فناورانه‌ای است که در اختیار کنش‌گران پیشگیری از وقوع جرم قرار می‌گیرد. البته کاربست این تدابیر با چالش‌های مختلفی همراه است که در این پژوهش بدان‌ها اشاره شده است. (دهقان ۱۳۹۰: ۱۳۴)

نتیجه‌گیری

به دلیل مشکلات اقتصادی و قوانین محدود کننده‌ی واردات کالا، قاچاق کالا و ارز امروزه به‌یکی از معضلات جامعه تبدیل شده و پرونده‌های فراوانی در این خصوص در مراجع قانونی تشکیل می‌شود. کشور جمهوری اسلامی ایران از گذشته تاکنون با معضل قاچاق کالا روبرو بوده و متأسفانه علی‌رغم مبارزاتی که در راستای مقابله با آن به عمل آمده نتایج مطلوب و مورد انتظاری نداشته است. این پدیده که به تعبیر کارشناسان امر، اقتصاد خاکستری، اقتصاد سایه، اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیررسمی و... نامیده می‌شود، ضمن ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی سالم ضربات شدیدی به تجارت قانونی و واحدهای صنعتی و تولیدی مشابه کشور وارد می‌کند و باعث هدر رفتن منابع و تزیق شوکی منفی به پیشرفت اقتصادی و ایجاد مانع در راه برقراری نظارت شایسته می‌گردد. قاچاق به خصوص قاچاق کالا و ارز، قطعاً هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگینی برای کشور به دنبال دارد و به ویژه به نظام اقتصادی کشور لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد. بدلیل آثار سوء اقتصادی جرایم قاچاق کالا و ارز، لزوم سیاست افتراقی و همچنین جایگاه مطلوب کیفرگذاری در بزه معنونه ضروری است. قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی دولتمردان، پدیده‌ای چندبُعدی است که موجب اختلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشور می‌شود. مقابله با این پدیده از دیرباز دارای جایگاه ویژه‌ای در سیاست کیفری تقنینی ایران بوده است. ناکافی و زیان‌بار بودن سرکوبی مرتکبان قاچاق کالا و ارز، مقنن را به سوی به‌کارگیری تدابیر پیشگیرانه سوق داد. نتیجه حاصله بیانگر این است که جنبه اقتصادی، مهم‌ترین دلیل جرم‌انگاری قاچاق کالا و ارز به شمار می‌رود؛ چرا که اکثر رفتارهای مرتبط با قاچاق به گونه‌ای سودآور و دارای عواید کلان نامشروع است و باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد. بنابراین لازم است کیفرها به گونه‌ای طراحی شود که با برهم زدن توازن علیه بزه، ریسک ارتکاب را بالا ببرد. هیچگاه برای این قلمرو از تبهکاری، رویکرد ترمیمی و بالینی و تسامح گرا و صرفاً پیشگیرانه توصیه نمی‌شود.

منابع و ماخذ

- ۱- اجتهادی، سید عبدالمجید (۱۳۹۰)، مصادیق جرایم قاچاق کالا و ارز در حقوق کیفری ایران، بررسی های حقوقی، شماره ۱.
- ۲- احمدی، اسدالله (۱۳۸۲)، ناجا و مبارزه با قاچاق کالا، تهران: اداره کل مبارزه با جرائم اقتصادی ناجا.
- ۳- اسعدی، سید حسن (۱۳۸۶)، جرایم سازمان یافته فراملی، تهران: نشر میزان.
- ۴- آلتمن، اندرو (۱۳۸۶)، درآمدی بر فلسفه حقوق، ترجمه بهروز جندقی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۵- بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۶- بولک، برنار (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- ۷- پارسونز، واین (۱۳۹۲)، مبانی سیاتگذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۸- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۸۸)، سیاست جنایی ریسک‌مدار، تهران: نشر میزان.
- ۹- پورابراهیم، احمد (۱۳۹۱)، رویکردی به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی، بررسی های حقوقی، سال دوم، شماره ۳.
- ۱۰- پیمانی، ضیاء الدین، ۱۳۸۵، «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی»، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان
- ۱۱- تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها) (۱۳۸۶)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- ۱۲- جباری، منصور (۱۳۸۰)، نقش ایکائو در مبارزه با قاچاق و استعمال مواد مخدر و داروهای روانگردان، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۴.
- ۱۳- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، تهران: نشر میزان.
- ۱۴- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران: نشر میزان.
- ۱۵- دبلوفا اوسو، اوما (۱۳۸۴)، چارچوب‌های حقوقی مبارزه با فساد مالی، ترجمه احمد رنجبر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۶- دهقان چاچکامی، حمید (۱۳۹۰)، جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری کیفری ایران، قم: بوستان کتاب.
- ۱۷- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرم، مفاهیم و گونه‌ها، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، دادگستری کل استان بوشهر با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.
- ۱۸- ساک، کریانگ و کیتی شیایزری (۱۳۸۳)، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، نشر سمت.
- ۱۹- شاطریان، محسن و گنجی پور، محمود (۱۳۹۲)، تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی مرزنشینان بر قاچاق کالا (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۸۴).
- ۲۰- شاهچراغی، سید علی (۱۳۸۰)، ماهیت امر قضایی و شبه قضایی تعزیرات حکومتی، مجله ترجمان حاسبه، شماره ۳ و ۴.
- ۲۱- شاهرخ شهرکی، عبدالکریم (۱۳۹۱)، نحوه رسیدگی عملی به جرایم قاچاق کالا و ارز، بررسی های حقوقی، سال دوم، شماره ۳.
- ۲۲- صفاری، علی (۱۳۸۲)، مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳.

- ۲۳- صفایی، سید حسین (۱۳۷۰)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه با همکاری عزت‌الله عراقی و محمد آشوری، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۴- گرایاق زندی، داوود (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاستگذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۵- کدخدایی، عباسعلی و محمد جواهری طهرانی (۱۳۹۰)، قانون، مشروعیت، کارآمدی، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، دوره ۴۱، شماره ۴.
- ۲۶- کهنه پوشی، سید هادی و عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (مطالعه موردی بخش خاو و میرآباد)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۵.
- ۲۷- محمدنسل، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۱)، راهنمای کارگاه علمی- کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، تهران: نشر میزان.
- ۲۸- مرادی قادی، مهرزاد (۱۳۹۰)، نقش و نگرش دستگاه قضایی، تعزیرات حکومتی و گمرک راجع به جرایم قاچاق کالا و ارز، بررسی‌های حقوقی، دور جدید، شماره ۴.
- ۲۹- مرووری بر کارنامه هفت ساله تعزیرات حکومتی از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹، ترجمان حسبه شماره ۳ و ۴، به اهتمام معاونت طرح و برنامه - دفتر رایانه و مدیریت سازمان تعزیرات حکومتی.
- ۳۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۵)، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.